

نقش سرویس اطلاعاتی پاکستان در طولانی شدن بحران امنیتی افغانستان

دکتر نوذر شفيعی^۱

اقدس اقبال^۲

زهرا ثالشی^۳

تاریخ دریافت: ۸۹/۷/۲۰

تاریخ پذیرش نهایی: ۸۹/۱۲/۱۷

فصلنامه آفاق امنیت / سال سوم / شماره نهم - زمستان ۱۳۸۹

چکیده

این مقاله تلاش دارد به این سؤال پاسخ دهد که چه ارتباطی بین گروه طالبان افغان و سرویس اطلاعاتی پاکستان (آی‌اس‌آی)^۴ وجود دارد؟ فرضیه مقاله آن است که بین طالبان و آی‌اس‌آی ارتباطی تنگاتنگ وجود دارد. سرویس اطلاعاتی پاکستان جنبش طالبان را کنترل می‌کند، ثبات می‌بخشد و به شدت آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به عبارت دیگر، آی‌اس‌آی در زمینه‌هایی بسیار مهم چون آموزش، تأمین سرمایه و کمک مالی، اسلحه، مهمات و امکانات ضروری از طالبان حمایت می‌کند. دلایل حمایت آی‌اس‌آی از طالبان متعدد است، اما به نظر می‌رسد اسلام‌آباد با از دست دادن پاکستان شرقی (بنگلادش کنونی)، قدم‌هایی برای مواجهه با تهدید در حال افزایش هند، الحاق کشمیر یا وادارسازی هند به قبول الحاق بخشی مهم از کشمیر به پاکستان و ملی‌گرایی پشتو (به خصوص با توجه به ادعای تاریخی افغان‌ها نسبت به خط دیوراند) برداشته است. بخشی از این پاسخ‌گویی برای مقابله با این تهدیدها شامل اسلامی کردن هرچه بیشتر جامعه و در نتیجه، افزایش مدرسه‌ها، حمایت گسترده از نیروهای رادیکال و گروه‌های مسلح در کشمیر و افغانستان می‌شد که به اصطلاح «راهبرد مادون متعارف» خوانده می‌شود. این مهم تحت حمایت آی‌اس‌آی اتفاق می‌افتد.

واژگان کلیدی

سرویس اطلاعاتی پاکستان، آی‌اس‌آی، طالبان، شبکه حقانی، شورای کویته

۱. استادیار دانشگاه اصفهان

۲. کارشناس ارشد روابط بین‌الملل

۳. کارشناس ارشد روابط بین‌الملل

مقدمه

رابطه پاکستان و افغانستان هیچ‌گاه آرام نبوده است. از زمانی که پاکستان پا به عرصه وجود گذاشت، افغانستان به سختی حاضر شد آن را به رسمیت بشناسد. از آن پس نیز هیچ‌گاه رابطه‌ای دوستانه برقرار نبوده که علت آن دو چیز است: یکی، خط دیوراند^۱ که افغان‌ها هیچ‌گاه حاضر نیستند آن را به عنوان مرز رسمی افغانستان و پاکستان به رسمیت بشناسند و دیگری، نگرش پاکستان مبنی بر قرار دادن افغانستان به عنوان عقبه راهبردی خود در برابر هندوستان.

به سبب این دو عامل پاکستان همواره در پی نفوذ در افغانستان بوده است. از این رو، افغانستان زمانی برای پاکستان اهمیت دارد که حاکمیت آن رابطه‌ای دوستانه در حد راهبردی با اسلام‌آباد داشته باشد و هرگز از خط دیوراند سخن نگوید. در غیر این صورت، افغانستان باید هم‌چون «دیگ جوشان» (تعبیر ژنرال ضیاءالحق) بجوشد و بی‌ثبات باشد.

پاکستان موفق نشده است به این دو هدف در افغانستان نایل آید. از یک سو، رابطه هند و افغانستان بسیار گرم‌تر از رابطه پاکستان-افغانستان بوده و از سوی دیگر، هیچ دولتی در افغانستان نمی‌تواند و نتوانسته است به خط دیوراند به عنوان مرز رسمی پاکستان و افغانستان تن در دهد.

تحت این شرایط، بی‌ثباتی در افغانستان در دستور کار پاکستان قرار می‌گیرد. این مهم اغلب توسط آی‌اس‌آی انجام می‌گیرد که در بیشتر مواقع خارج از کنترل دولت عمل می‌کند. در حال حاضر، آی‌اس‌آی از طالبان حمایت می‌کند و یکی از عوامل اصلی تداوم و تطویل بحران افغانستان حمایت این سازمان از طالبان است. از این رو، بررسی رابطه طالبان و آی‌اس‌آی هدف اصلی این مقاله است. برای این منظور ابتدا درباره آی‌اس‌آی به عنوان یک نهاد مهم امنیتی در پاکستان و نیز مفهوم طالبان افغانستان بحث می‌کنیم و سپس به روابط این گروه با طالبان می‌پردازیم و در نهایت متوجه خواهیم شد که چرا امریکا و هم‌پیمانان داخلی و خارجی آن نمی‌توانند بر طالبان فایق آیند.

سازمان اطلاعاتی آی‌اس‌آی

پس از استقلال پاکستان در سال ۱۹۴۷، دو سازمان جدید اطلاعات در این کشور ایجاد شد: اداره اطلاعات (IB) و اطلاعات نظامی (MI). عملکرد ضعیف اداره

۱. خط مرزی دیوراند به طول ۲۶۴۰ کیلومتر در زمان سلطه بریتانیا بر شبه‌قاره هند در ۱۲ نوامبر ۱۸۹۳ طی معاهده‌ای میان عبد الرحمن خان از افغانستان و سر هنری مورتمیر دیوراند ترسیم شد و طی آن مناطقی از افغانستان آن زمان به هند بریتانیایی تعلق گرفت. خط دیوراند به عنوان خط مرزی، پشتونستان را از افغانستان جدا و آن را ضمیمه خاک پاکستان کرد.



اطلاعات در هماهنگی اطلاعاتی بین ارتش، نیروی دریایی و هوایی در زمان جنگ هند- پاکستان در سال ۱۹۴۷ موجب تأسیس سازمان اطلاعات داخلی (آی‌اس‌آی) در سال ۱۹۴۸ شد.^۱ طراحی این سازمان به گونه‌ای است که نیروهایش از بین افراد سه‌گانه نیروهای ارتش انتخاب و مأمور جمع‌آوری، آنالیز و ارزیابی اطلاعات خارجی اعم از نظامی یا غیرنظامی می‌شوند. آی‌اس‌آی زاینده افکار یک افسر استرالیایی‌الاصل ارتش انگلیس به نام سرلشکر کاتوم^۲ و رئیس امور کارکنان ارتش پاکستان است. در ابتدا آی‌اس‌آی هیچ‌گونه نقشی در جمع‌آوری اطلاعات داخلی، جز منطقه مرزی شمال- غرب و کشمیر آزاد، نداشت.

در اواخر ۱۹۵۰ که ایوب خان، رئیس‌جمهور پاکستان شد، نقش آی‌اس‌آی را در حفاظت از منافع پاکستان و تحت نظر گرفتن سیاست‌های اپوزیسیون و حفظ نقش ارتش در پاکستان افزایش و توسعه داد. آی‌اس‌آی پس از شکست در جنگ هند- پاکستان در سال ۱۹۶۵، مجدداً در سال ۱۹۶۶ سازماندهی شد. در این دوره مسئولیت جمع‌آوری اطلاعات سیاسی داخلی در شرق پاکستان نیز به این سازمان واگذار شد. بعداً در زمان انقلاب ملی گرایانه بلوچ‌ها در بلوچستان در اواسط ۱۹۷۰، آی‌اس‌آی مأموریت یافت قلمرو بلوچستان را نیز پوشش دهد. در زمان ریاست ذوالفقار علی بوتو که منتقد نقش آی‌اس‌آی در زمان انتخابات ۱۹۷۰ بود و همین مسئله سبب تجزیه پاکستان و شکل‌گیری بنگلادش شد، آی‌اس‌آی اهمیت خود را از دست داد. پس از به قدرت رسیدن ضیاءالحق در ژوئیه ۱۹۷۷، مجدداً آی‌اس‌آی توسعه یافت و مسئول جمع‌آوری اطلاعات در مورد گروه‌های

۱. مهم‌ترین رؤسای آی‌اس‌آی از بدو تأسیس تاکنون عبارتند از:

- سرتیپ ریاض حسین، ۱۹۶۶-۱۹۵۹
- سرلشکر محمد اکبر خان، ۱۹۷۱-۱۹۶۶
- سپهبد غلام گیلانی خان، ۱۹۷۸-۱۹۷۱
- سپهبد محمد ریاض، ۱۹۸۰-۱۹۷۸
- سپهبد اختر عبدالرحمان، ۱۹۸۷-۱۹۸۰ مارس
- سپهبد حمید گل، مارس ۱۹۸۷- می ۱۹۸۹
- سپهبد (بازنشسته) شمسور رحمان کالو، می ۱۹۸۹- آگوست ۱۹۹۰
- سپهبد اسد دورانی، آگوست ۱۹۹۰- مارس ۱۹۹۲
- سپهبد جاوید نصیر، مارس ۱۹۹۲- می ۱۹۹۳
- سپهبد جاوید اشرف نمازی، می ۱۹۹۳- ۱۹۹۵
- سپهبد نسیم رعنا، اکتبر ۱۹۹۸-۱۹۹۵
- سپهبد ضیاءالدین بات، اکتبر ۱۹۹۸- اکتبر ۱۹۹۹
- سپهبد محمود احمد، اکتبر ۱۹۹۹- اکتبر ۲۰۰۱
- سپهبد احسان الحق، اکتبر ۲۰۰۱- اکتبر ۲۰۰۴
- سپهبد اشفاق پرویز کیانی، اکتبر ۲۰۰۴- اکتبر ۲۰۰۷
- سپهبد نادم تاج اکتبر، ۲۰۰۷- سپتامبر ۲۰۰۸
- سپهبد احمد شجاع پاشا، سپتامبر ۲۰۰۸- تاکنون

کمونیستی سند و گروه‌های مختلف دیگر نظیر حزب مردم پاکستان (PPP) شد. در زمان جنگ افغان- شوروی در سال ۱۹۸۰ فعالیت‌های پنهانی بین آی‌اس‌آی و سیا (CIA) افزایش یافت. (برای آگاهی بیشتر در این زمینه رک: وب سایت رسمی مرکز اطلاعات امنیت جهانی (www.globalsecurity.org)

گروه ویژه افغان‌ها زیر نظر و فرمان کلنل محمد یوسف برای سرپرستی و هماهنگی در جنگ ایجاد شد. تعدادی از افسران بخش عملیات پنهانی آی‌اس‌آی آموزش‌های لازم را در امریکا دیدند و تعداد زیادی از کارشناسان عملیات پنهانی سیا به آی‌اس‌آی ملحق شدند تا در عملیات ضد شوروی با کمک گرفتن از مجاهدین افغان شرکت کنند.

اهداف

اهداف آی‌اس‌آی به شرح ذیل است:

۱. حفاظت از منابع پاکستان و امنیت ملی داخل و خارج کشور؛
۲. تحت نظر گرفتن گسترش نظامی و سیاسی کشورهای همسایه که نسبت مستقیم با امنیت ملی پاکستان دارند و در نتیجه، فرمول‌بندی کردن ساختار سیاست خارجی و نحوه جمع‌آوری اطلاعات داخلی و خارجی؛
۳. هماهنگی وظایف اطلاعاتی بین نیروهای سه‌گانه ارتش؛
۴. نظارت دقیق بر کادر خارجی‌ها، رسانه‌ها و فعالان سیاسی جامعه پاکستان؛
۵. نظارت بر دیپلمات‌های سایر کشورها که در پاکستان مقیم‌اند و دیپلمات‌های پاکستان که خارج از پاکستان فعالیت می‌کنند.

سازمان

در حال حاضر مرکز سازماندهی در اسلام‌آباد مستقر شده است و رئیس آن باید حتماً در ارتش پاکستان سپهبد باشد. پس از وی سه معاون به صورت مستقیم به وی گزارش می‌دهند و هرکدام در سه شاخه جداگانه آی‌اس‌آی فعالیت می‌کنند. شاخه داخلی در مواجهه با ضد اطلاعات و مسائل سیاسی داخلی پاکستان است؛ شاخه خارجی هدایت عملیات خارجی را بر عهده دارد و شاخه سوم مربوط به آنالیز روابط خارجی است. اکثریت کارمندان آی‌اس‌آی از نیروی پلیس و ارتش و برخی واحدهای مخصوص ارتش پاکستان مثل کماندوهای SSG هستند. اگرچه تعداد افراد هیچ‌گاه اعلام نمی‌شود، کارشناسان برآورد می‌کنند حدود ۱۰ هزار کارمند و افسر مشغول به کارند. البته این تعداد شامل خبرچین‌ها و ارزیاب‌ها نمی‌شود.^۱

۱. رک:

Shoja Navaz, "Focusing the Spy Glass on Pakistan's ISI", The Huffington Post, 2 October 2008; Jhon Pick, Directorate for Intelligence Service, Federation of American Scientists, 2001.



تشکیلات آی‌اس‌آی (ISI)

۱. کمیته اطلاعات مشترک (JIX): این کمیته سایر دپارتمان‌ها را هماهنگ می‌کند. تمام اطلاعات و اخبار از سایر دپارتمان‌ها به دپارتمان JIX فرستاده و در آنجا بعد از تحلیل و تجزیه اطلاعات، گزارش‌های مربوط آماده می‌شود.
۲. اداره اطلاعات مشترک (JIB): مسئول جمع‌آوری اطلاعات سیاسی است و از سه زیرمجموعه تشکیل می‌شود که یکی از آنها مختص عملیات علیه هند است.
۳. اداره ضد اطلاعات مشترک (JCIB): مسئول نظارت بر دیپلمات‌های پاکستانی شاغل در خارج کشور و علاوه بر آن، عهده‌دار مسئولیت عملیات اطلاعاتی در خاورمیانه، آسیای جنوبی، چین، افغانستان و جوامع مسلمان مربوط به اتحاد جماهیر شوروی است.
۴. اطلاعات مشترک شمال (JIN): به صورت ویژه مسئول مناطق جامو و کشمیر است.
۵. اطلاعات مشترک متفرقه (JIM): مسئول عملیات جاسوسی شامل تهاجمی در سایر کشورهاست.
۶. اداره اطلاعات سیگنال مشترک (JSIB): مسئول جمع‌آوری اطلاعات در طول مرز پاکستان- هند؛
۷. اطلاعات فنی مشترک (JIT) (Raman, 2008: 12 – 32; Ahmed, 2010: 1 – 6) علاوه بر موارد یادشده، بخش‌های مربوط به عملیات انتحاری و جنگ شیمیایی وجود دارد.

وظایف

- جمع‌آوری اطلاعات: آی‌اس‌آی اطلاعات حساس مربوط به منافع راهبردی هند را جمع‌آوری می‌کند. منظور اهداف پنهانی و آشکارا است.
- طبقه‌بندی اطلاعات: پس از بررسی و الگ کردن اطلاعات، اطلاعات طبقه‌بندی و به کمک شبکه کامپیوتری موجود در مرکز فرماندهی آی‌اس‌آی مستقر در اسلام‌آباد فایل‌بندی می‌شوند.
- اطلاعات هجومی: مأموریت اولیه آی‌اس‌آی شامل اطلاعات هجومی متشکل از جاسوسی، جنگ روانی و عملیات خرابکارانه است. بعضی از گزارش‌های تأییدشده هم حاکی از دخالت آی‌اس‌آی در تقویت تروریسم در مناطق دشمن است. ضد اطلاعات آی‌اس‌آی بخشی ویژه مخصوص عملیات جاسوسی دشمن دارد.





روش‌ها

- مأموریت‌های سیاسی: مأموریت‌های سیاسی پوشش خوبی برای آی‌اس‌آی است و معمولاً مرکز آن در سفارت‌خانه‌هاست.

- چندملیتی بودن: عملیات آی‌اس‌آی در قالب سازمان‌های چندملیتی نیز قرار می‌گیرد. سازمان‌های غیردولتی و برنامه‌های فرهنگی نیز پوششی بسیار مناسب برای فعالیت‌های آی‌اس‌آی است.

این نتایج را می‌توان در روابط بین طالبان و افسران اطلاعاتی پاکستان متوجه شد. شواهد موجود ثابت می‌کند افسران پاکستان در نبردهای جاری بین طالبان و آمریکا به انحاء مختلف از طالبان حمایت می‌کنند.

مفهوم طالبان افغانستان

استنباط مردم دنیا از جنبش طالبان با تصویری از غارت، مردان ریش‌دار و قرآن و سلاح در دست و سازمان‌های سیاسی-اجتماعی ظالمانه که مبارزاتی همه‌جانبه را در سر می‌پروانند آمیخته شده است. در حالی که این تصورات مقداری از فهم آنهاست، فهم بیشتر طالبان مستلزم تحلیل اشغال افغانستان توسط شوروی و پس از اشغال، تجربه سنت‌های اسلامی، زبان و قومیت افغان و پدیده‌های قبیله‌ای، هم‌چنین مداخلات مناطق پیشرو در نواحی مرزی پاکستان و بافتی است که طالبان در آن رشد یافته‌اند.

به دنبال خروج نیروهای اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۸۹، اوضاع افغانستان با جنگ داخلی خونین میان گروه‌های مجاهد رقیب باعث شد که بسیاری از آنها انرژی خود را صرف مبارزه با یکدیگر کنند. جنگ داخلی به کشته شدن هزاران تن از مردم و از بین رفتن زیرساخت‌های کشور انجامید و در آوریل ۱۹۹۲ بعد از تصرف کابل توسط گروه مجاهدین شدت یافت. اندکی بعد نیز شروع جنگ‌های خیابانی به ویژه میان پشتون‌نشین‌ها و جماعت اسلامی تاجیک هم‌چون جنگ بیروت به مدد مهمات به‌جامانده از جنگ با شوروی و ذخیره بسیار عظیم از سلاح‌های رهاشده توسط نیروهای شوروی آغاز شد. سرانجام این قتل‌عام‌ها دست‌کمی از خسارات و زیان‌های وارده به کشور از زمان اشغال توسط شوروی نداشت.

طالبان در سال ۱۹۹۴ با هدف تأسیس یک دولت اسلامی قبیله‌ای به منظور پایان دادن به جنگ میان مجاهدین وارد صحنه شدند (Coll, 2005: 292). طالبان با پشتیبانی نیروی هوایی آی‌اس‌آی موفق به براندازی بخشی عظیم از رژیم مجاهدین تاجیک (و شمالی‌ها) در کابل شدند و شهر را در سپتامبر ۱۹۹۶ تسخیر کردند.

طالبان این رژیم را مسئول ادامه جنگ‌های داخلی و ناامنی در کشور، هم‌چنین تبعیض علیه پشتون‌ها می‌دانستند (Rashid, 2001: 91).

افغانستان به مرکزی برای آموزش نیروهای فعال اسلامی و سایر اصول‌گرایان در نواحی خاورمیانه و اطراف آسیا تبدیل شد. طالبان خود را به عنوان نیروی جدید صادق، متحد و مرهمی برای صلح و ثبات بسیاری از افغان‌ها به ویژه پشتون‌ها معرفی کردند و به سرعت سران نظامی را که مسئول بسیاری از ویرانی‌ها، بی‌ثباتی و هرج و مرج کشور در زمان جنگ داخلی می‌دانستند، مورد هدف قرار دادند. هم‌چنین یک نیروی پلیس مذهبی به منظور امر به معروف و نهی از منکر (گسترش خوبی و کاستن از بدی‌ها) تعیین کردند.

انگیزه تعامل بین آی‌اس‌آی و طالبان افغانستان

روابط آی‌اس‌آی-طالبان منافع متقابلی برای دو طرف دارد: طالبان نیازمند پناهگاه در خارج از کشور و حمایت نظامی و لجستیکی برای شورشگری است و آی‌اس‌آی معتقد است نیازمند نیرویی متحد در افغانستان است تا قدرت منطقه‌ای و عمق راهبردی خود را در رقابت با هند حفظ کند.

طبق تحلیل استیو کول^۱ (The New Yorker, 24 May 2010)، به نظر نمی‌رسد محاسبات راهبردی بنیادین پاکستان از سال ۱۹۷۰ تغییر چندانی کرده باشد. در واقع، در فوریه ۲۰۱۰ مدیر اطلاعات ملی ایالات متحده محکومیت اسلام‌آباد را با این بیان تأیید کرد که گروه‌های جنگ‌طلب بخشی از راهبرد پاکستان برای مقابله با ارتش هند و کسب منافع اقتصادی هستند (Blair, 2010). آنچنان که استیو کول شرح می‌دهد (The New Yorker, 1 March 2010): «در واقع، ژنرال‌های پاکستانی معتقدند به هر حال گروه‌های جنگ‌طلب و ناراضی اسلام‌گرا از جمله طالبان می‌توانند برای رفع تهدید هند مورد استفاده قرار گیرند.»

بسیاری از افراد در پاکستان معتقدند که هند تأثیر مهم و فزاینده اقتصادی و سیاسی بر افغانستان دارد که شامل بازسازی مجلس افغانستان و پروژه‌های ساختاری در مورد مرز افغانستان است (Sullivan, 2010; Tellis and Mukharji 2010). مقامات ارشد پاکستان هم‌چنین معتقدند عقب‌نشینی نیروهای ایالات متحده از افغانستان که برای ژوئیه ۲۰۱۱ برنامه‌ریزی شده است، جنگ قدرتی را آغاز می‌کند که در نهایت به نفع هند می‌شود (Tellis, 2010). بنابراین، مهم‌ترین مسئله برای پاکستان نگهداری متحد افغان خویش است. (Wilkens, 2010).

انگیزه‌های پاکستان برای حمایت از طالبان افغان با تمایل به تأثیرگذاری بر پشتون‌های جداشده در نتیجهٔ منازعهٔ خط دیوراند تقویت می‌شود.





با توجه به این واقعیت به نظر می‌رسد حمایت آی‌اس‌آی از طالبان مسئله‌ای ثابت شده است. بعضی تحلیلگران معتقدند که عناصر طالبان و آی‌اس‌آی با یکدیگر همکاری دارند و فعالیت‌هایشان جدا از هم نیست (Johnson and Mason, 2008). آنتونیو گیوستوزی بیان می‌کند که «مدارک موجود نشان می‌دهد مشاوران باسابقه و مجرب افغانستان همانند عاملان آی‌اس‌آی در شورشگری مشارکت داشته‌اند» (Giustozzi, 2007). هم‌چنین گزارش‌ها نشان می‌دهد در اواسط سال ۲۰۰۸ ایالات متحده مدارک موثقی مبنی بر همکاری با طالبان در سطح مقامات عالی‌رتبه پاکستان جمع‌آوری کرده است (Jones, 2010). در یک سازمان با حدود ۱۰ هزار عضو قوی (Bajoria, 2009)، با خدمات گسترده (Cohen, 2004:100) و تقسیم‌بندی جز به جز مسئولیت‌ها، ظهور عناصر سرسخت و قوی اجتناب‌ناپذیر است. ظاهراً حمایت از طالبان افغان سیاستی رسمی در آی‌اس‌آی است.

جریان‌های مرتبط

یکی از جناح‌های قوی درون طالبان شورای کویته است که به شورای عالی طالبان افغان یا شورای رهبری یا شورای مرکزی نیز معروف است. این شورا از دوازده عضو تشکیل شده است که در زمان‌های گوناگون جلسه تشکیل می‌دهند. قیوم ذکور (قدرت جدید شورا)، ملا اختر محمد منصور (فرمانده نظامی جنبش)، امیر خان متقی، ملا محمد حسن و ملا گل آقا از اعضای مهم شورای کویته هستند. یک بررسی دقیق نشان می‌دهد که آی‌اس‌آی قویاً با شورای کویته رابطه دارد و به کنترل اقدامات آن می‌پردازد (Tribal Analysis Center, 2009:6). در این خصوص باید گفت آی‌اس‌آی ممکن است از شکاف قبیله‌ای درون شورا نیز بهره‌برداری کند. برای مثال، آی‌اس‌آی مانع حضور قبیله درانی^۱ در شورا شد، زیرا از قصد آنها مبنی بر تصرف دولت آگاهی یافته بود. در عوض با قبیله پشتون‌های غلجایی، رقیب درانی، همکاری و سازش داشت. در طول تاریخ بین درانی‌ها و غلجایی‌ها بر سر تصاحب قدرت جنگ وجود داشته است. در افغانستان اغلب، درانی‌ها قدرت را در دست داشته و از قضا با پاکستان رابطه خوبی نداشته‌اند. حامد کرزی که اکنون قدرت را در دست دارد از طایفه پوپل‌زایی، یکی از زیرمجموعه‌های درانی یا ابدالی است. بر عکس، طالبان از جمله ملا عمر از زیرمجموعه‌های قبیله غلجایی هستند که اکنون در تضاد با درانی‌ها مورد حمایت پاکستان قرار گرفته است. به نظر می‌رسد هم غلجایی‌ها و هم پاکستان استفاده ابزاری از هم می‌کنند و از ایدئولوژی و آرمان‌گرایی خبری نیست (Ibid).

در حال حاضر به نظر می‌رسد کشمکش قدرتی درون شورا وجود دارد که در یک طرف آن قیوم ذاکر و ملا اختر محمد منصور و در طرف دیگر، شخصیت‌های محافظه‌کار قدیمی مثل امیر خان متقی، ملا محمد حسن و ملا گل آقا هستند. یکی دیگر از شبکه‌های طالبان که آی‌اس‌آی با آن ارتباطی تنگاتنگ دارد شبکه حقانی است. پایگاه شبکه حقانی در وزیرستان است، اما فعالیت‌های شبکه بیشتر در جنوب شرق افغانستان یا استان‌های شمالی در مسیر کابل است. اگر چه شبکه در ارتباط و تعامل با طالبان است، رهبری، عملیات و عضوگیری مستقل دارد. تحلیلگران غربی و سرویس‌های جاسوسی پیش از این نیز از حمایت آی‌اس‌آی از شبکه‌های حقانی مطلع بوده‌اند. در واقع، سرویس جاسوسی ایالات متحده معتقد است که اسلام‌آباد برای هدایت و کنترل اقدامات علیه ایالات متحده و ایساف، ارتباط قوی خود را با گروه‌های مرتبط با طالبان حفظ کرده است. بر اساس آنچه کترین فیلیپ^۱ در مقاله خود بیان کرده است، آی‌اس‌آی جلال‌الدین حقانی را به عنوان یک دارایی راهبردی برای خود می‌بیند. سرویس‌های جاسوسی ایالات متحده حمله ژوئیه ۲۰۰۸ به سفیر هند در کابل را به شبکه حقانی نسبت می‌دهند (Kronstadt, 2009). شبکه از طریق شورای فرماندهی متشکل از جلال‌الدین حقانی، پسرش سراج‌الدین و گروه کوچکی از مقامات ارشد آی‌اس‌آی اداره می‌شود. طبق گفته‌های احمد رشید، در شبکه حقانی مأموران و عاملانی وجود دارند که از سال ۲۰۰۱ با آی‌اس‌آی قرارداد بسته‌اند تا از طالبان افغانی حمایت کنند (Rashid, 2008:221).

در مارس امسال (۲۰۱۰)، نیویورک تایمز گزارش داد که مقامات غربی معتقدند کلنل امام که از مقامات رسمی سابق آی‌اس‌آی است به آموزش، کمک مالی و عضوگیری از شورشیان افغان ادامه می‌دهد (Gall, 2010). به نظر می‌رسد از سال ۲۰۰۱ به بعد آی‌اس‌آی نقش اصلی را در تکوین گروه حقانی داشته است. در خصوص رابطه با طالبان باید گفت هم جلال‌الدین هم سراج‌الدین از اعضای شورای کویته بوده‌اند. پیش از این، همه تصمیم‌های راهبردی از طریق شورای کویته اتخاذ می‌شد، اما پس از آنکه شورای کویته شروع به گفت‌وگو با دولت افغانستان کرد، همکاری با شورا را متوقف ساخت. با این حال، شبکه حقانی هنوز در شورا نماینده دارد، اما دیگر آن ارتباط نزدیک گذشته را ندارد. هم‌چنین تعدادی از اعراب برای شبکه حقانی کار می‌کنند. گرچه گفته می‌شود که این افراد عاملان القاعده نیستند، گزارش‌هایی وجود دارد که ارتباط قوی بین القاعده و شبکه حقانی را ثابت می‌کند (Rutting, 2009 b:75).

1. Catrine Phillip

الگوی تعامل: تنبیه و پاداش

طبق نظر تحلیلگر مسائل افغانستان، «ارتباط بین آی‌اس‌آی و طالبان رابطه‌ای کاملاً نابرابر است. طالبان گزینه دیگری جز زندگی در پاکستان ندارد.» یکی از وزیران سابق طالبان می‌گوید رهبران طالبان در پاکستان زیر فشار زندگی می‌کنند و دائماً در ترس از بازداشت شدن خود و خانواده‌های‌شان هستند.

به نظر می‌رسد آی‌اس‌آی پارامترهایی برای هدایت راهبردهای طالبان ایجاد کرده است که این پارامترها با ترس از دستگیری تثبیت و تقویت می‌شوند. به عبارت دیگر، دستگیری و آزار و اذیت افراد طالبان یکی از شیوه‌های معمول آی‌اس‌آی برای کنترل گروه طالبان و وادار کردن آنها به اطاعت و فرمان‌برداری است.

به عنوان شاهدهی تاریخی در فوریه ۲۰۱۰، ملا برادر و هفت رهبر دیگر طالبان به دلیل سرپیچی از فرامین آی‌اس‌آی دستگیر شدند. این دستگیری‌ها نوعی گوشزد به طالبان و دولت افغانستان است که طالبان در کنترل آی‌اس‌آی قرار دارد و هرگونه مذاکره بین طالبان و دولت افغانستان فقط با نظر مساعد آی‌اس‌آی امکان‌پذیر است. در تحقیقاتی که اطلاعات افغانستان و ناتو صورت دادند، این مسئله ثابت شده است که بسیاری از کسانی که در حال جنگیدن هستند، به دلیل فشار آی‌اس‌آی این کار را انجام می‌دهند (Rashid, 2008:368).

تعداد زیادی طالبان آی‌اس‌آی وجود دارند که بسیار قوی هستند و مشکل بتوان آنها را شناسایی کرد. هم طالبان‌های افغانی و هم غیرافغانی (پشتو و غیرپشتو) برای آی‌اس‌آی کار می‌کنند. آی‌اس‌آی نقشه‌هایی بسیار دقیق در مورد فرماندهانی دارد که از دستوراتش حمایت نمی‌کنند (Waldman, 2010:7-8).

همان‌طور که گفته شد، در فوریه ۲۰۱۰، آی‌اس‌آی هفت رهبر طالبان را دستگیر کرد که دو تن از قدرتمندترین اعضای جنبش، ملا برادر و ملا عبد رؤف خادم و قیوم ذکیر را شامل می‌شد. بازداشت‌شدگان پس از چند روز آزاد شدند (Ibid, P. 8). این نشانه‌ای قوی بر نفوذ شدید آی‌اس‌آی بر جنبش است و باید گفت این مسئله بر اساس درک متقابل منافع دو طرف صورت گرفته است.

دولت پاکستان جهت‌گیری سوء و تعصب تاریخی به قبیله دورانی دارد که به سابقه این قبیله در حمایت از پشتون‌نیم و ادعاهایش نسبت به پاکستان برمی‌گردد. دیدگاه‌های ذکیر و رؤف نشان می‌دهد که حضور دورانی‌ها در شورا افزایش یافته و این مسئله ممکن است نوعی کاهش تأثیر آی‌اس‌آی بر رهبران طالبان قلمداد شود. با وجود این، بیشتر احتمال دارد این مسئله تلاش آی‌اس‌آی برای کنترل بیشتر قبیله دورانی باشد. ملا برادر یک دورانی است و می‌تواند امکانات برقراری ارتباط



با کرزای و برادرانش را فراهم سازد (Tribal Analysis Center 2009:6,7,10) و این همان اهرمی است که امکانات گفت‌وگو را برای پاکستان افزایش می‌دهد.

دولت پاکستان، آی‌اس‌آی، طالبان

تحلیلگران در این باره که تا چه اندازه سیاست‌های آی‌اس‌آی در مورد طالبان، مستقل از دخالت مقامات کشوری اتخاذ می‌شود، نظریات گوناگونی دارند. ست جونز^۱ بیان می‌کند: «گزارش‌های بسیاری وجود دارد که مقامات ارشد آی‌اس‌آی و دولت پاکستان از برنامه‌های حمایت از طالبان آگاه بوده‌اند.» (Jones, 2010:267)، اتفاقات ماه مارس گذشته نشان می‌دهد که این سیاست توسط مقامات دولت به تصویب رسیده بود.

در مارس گذشته، زرداری و یک مقام ارشد آی‌اس‌آی از پنجاه مقام عالی‌رتبه طالبان که در یکی از زندان‌های مخفی پاکستان نگهداری می‌شدند، ملاقات کردند. طبق گزارش‌ها، زرداری به بازداشت‌شدگان گفته است تحت فشار ایالات متحده آنها را دستگیر کرده و تأکید کرده است «ما در یک جبهه هستیم و بعد از آزادی دوباره به حمایت از اقدامات شما خواهیم پرداخت».

زرداری به زندانیان گفته بود که آنها را در دو گروه آزاد خواهد کرد: اول، کسانی که برای رسانه کمتر شناخته شده‌اند و سپس آنهایی که شناخته شده‌ترند. در اثبات این گزارش‌ها، سه روز پس از ملاقات زرداری با زندانیان، دوازده نفرشان آزاد شدند (The New Yorker, 1 March 2010).

این مسئله در تاریخ سیاسی پاکستان ثابت شده است که رهبران سیاسی همواره از گروه‌های جهادی در افغانستان و کشمیر پشتیبانی کرده‌اند. کریستین فیر بیان می‌کند: «ارتش به تنهایی اقدام نمی‌کند، بلکه دولت‌مردان کشور [پاکستان] نیز از نظامیان حمایت می‌کنند» (Fair 2009:161-163).

در واقع، گزارش‌ها به نوعی به ادعای دو تحلیلگر امریکایی اعتبار می‌بخشد و آن را ثابت می‌کند؛ توماس جانسون^۲ و کریس منسون^۳ می‌گویند: «پاکستان منافع راهبردی خود را دنبال می‌کند که با منافع ایالات متحده هماهنگ نیست.» آنها هم‌چنین اظهار کرده‌اند اقدام دولت پاکستان در دستگیری‌ها به منظور همکاری با دولت‌های متحد علیه طالبان نیست، بلکه به صورت تباری با طالبان از طریق دولت دشمن (پاکستان) درآمده است (Johnson and Mason, 2008).

1 . Seth Jones
2 . Thomas H. Johnson
3 . M. Chris Mason





همکاری عملیاتی

طالبان معتقدند که آی‌اس‌آی با روشی قدرتمندانه، محرمانه و قهری به عملیات‌ها شکل می‌دهد. آنها حتی معتقدند که آی‌اس‌آی در شورای فرماندهی عملیات عضویت دارد. در واقع، مهارت‌ها و توانایی‌های طالبان در سطح تاکتیکی و عملیاتی نشان می‌دهد که این افراد به صورت دقیق و حرفه‌ای آموزش دیده‌اند (Giustozzi, 2007:25). به گفته یک مقام ارشد امنیتی سابق افغانستان که اکنون جزو گروه طالبان است، آی‌اس‌آی طرح‌ها، راهبردها و تاکتیک‌ها را در اختیارشان قرار می‌دهد. این مسئله در بیشتر گزارش‌ها ثابت شده است که آی‌اس‌آی اطلاعات راهبردی، عملیاتی و تاکتیکی در اختیار طالبان قرار می‌دهد (Jones, 2010:266). به علاوه از سال ۲۰۰۳، آی‌اس‌آی اردوگاه‌هایی برای سربازان طالبان ایجاد کرده بود که اسلحه، مهمات و امکانات ضروری آنها را از کشورهای خلیج فارس تهیه می‌کرد (Rashid, 2008:223). در ژوئن ۲۰۰۶ در تحقیقات گروهی که توسط اطلاعات افغانستان، ناتو و ایالات متحده انجام شد، این مسئله ثابت گردید که آی‌اس‌آی نه تنها مخفیگاه‌های اصلی را برای طالبان فراهم می‌سازد، بلکه برای جنگیدن آنها را تحت فشار قرار می‌دهد. طبق گفته‌های احمد رشید: «مدارکی که مأموران اطلاعات افغانستان، ناتو و ایالات متحده جمع‌آوری کرده‌اند از تباری و عملیات پنهانی وسیع و سیستماتیک آی‌اس‌آی و طالبان پرده برمی‌دارد و آن را ثابت می‌کند» (Rashid, 2008:222). طبق گفته‌های مقامات آمریکایی و آنچه کارگ وایت‌لاگ^۱ در مقاله‌اش گزارش می‌دهد (The Washington Post, 27 Sep. 2009)، جنبش طالبان منابع مالی خود را از کشورهای حوزه خلیج فارس دریافت می‌کند. سایر منابع درآمد شورشیان شامل عشریه و زکات، کمک‌های خیریه، تاجران، کشاورزان (به خصوص کشاورزانی که تریاک می‌کارند) و قاچاقچیان است.

به نظر می‌رسد آی‌اس‌آی نقشی مهم در حمایت و پشتیبانی از گروه حقانی دارد. یک فرمانده ارشد این شبکه بیان کرد که از هر ۳ هفته معمولاً ۲ هفته را در پاکستان و یک هفته را در افغانستان می‌گذراند. هر ماه ۶۰ تا ۸۰ جعبه Ak ۴۷ و ۲ تا ۳ جعبه بزرگ نازنچک دریافت می‌کند. او برای هزینه عملیات، ماهانه چکی به مبلغ ۰/۵ تا ۱ میلیون روپیه پاکستان (۶ تا ۱۲ هزار دلار) دریافت می‌کند. او معتقد است که پول‌ها از دو منبع تأمین می‌شود: کشورهای خلیج فارس به خصوص عربستان سعودی و منبع دیگر آی‌اس‌آی است. پول‌ها از طریق بانک اسلامی پاکستان وصول می‌شود که ظاهراً گروه حقانی در آن عضویت دارد. این ادعا با گزارش لوید تأیید می‌شود که نشان داده عربستان سعودی در طول چهار سال گذشته ۹۲۰ میلیون دلار در اختیار شورشگران افغان قرار داده است (Loyd, 2010).

علاوه بر این، مهمات جنگی که از طرف آی‌اس‌آی برای شبکه حقانی فرستاده می‌شود از طریق کامیون، اسب‌ها و شترها به دست فرماندهان در این سوی مرز می‌رسد. مبارزان ماهیانه ۹ تا ۱۰ هزار روپیه پاکستان (۱۲۰-۱۱۰ دلار) و فرماندهان ۱۵ تا ۲۰ هزار روپیه (۲۲۰-۱۷۰ دلار) دریافت می‌کنند. هم‌چنین گروه‌ها به طور جداگانه برای کشتن هر سرباز خارجی ۴ تا ۵ هزار دلار جایزه می‌گیرند.

به نظر می‌رسد سربازان تعدادی از پایگاه‌های کوچک حقانی در وزیرستان شمالی، واحدهای کرم و کوئته توسط مقامات ارتش پاکستان استخدام شده‌اند. این مراکز با مدرسه‌ها ترکیب می‌شوند و آموزش نظامی می‌دهند.

تا چندی پیش اردوگاه‌هایی وجود داشتند که در آنها ۲ تا ۳ هزار مبارز را آموزش می‌دادند، اما در حال حاضر کوچک‌تر شده‌اند و هرکدام قادرند ۱۲۰ طالبانی را آموزش دهند. در حال حاضر سه اردوگاه بزرگ وجود دارند که دو اردوگاه در واحد کرم و یکی در میرامشاه هستند. همه آموزش‌دهندگان از سرویس جاسوسی پاکستان هستند. آموزش‌ها شامل همه تاکتیک‌های نظامی (حمله، کمین...) می‌شود. تکنیک‌ها و مسائل مربوط به بمب‌گذاری انتحاری به صورت جداگانه و اختصاصی آموزش داده می‌شود. برای مثال، حمله انتحاری ۱۸ می (۲۰۱۰) در کابل که ۱۸ نفر در آن کشته شدند، به شبکه حقانی نسبت داده شد. سخنگوی اطلاعات افغانستان اذعان داشت: «قطعاً سرویس اطلاعاتی همسایه ما در مجهز کردن و آموزش این افراد نقش داشته است.» (Raggio, 2010).

افرادی که برای عملیات انتحاری آموزش می‌بینند، جدا از بقیه نگهداری می‌شوند. آنها اغلب پسران جوانی هستند که چیزی از تاریخ نمی‌دانند، اما خوب می‌جنگند و همه آنها می‌خواهند در راه اسلام بمیرند. این مسئله دقیقاً توسط تحلیلگران تأیید شده است که شبکه حقانی خشن‌ترین، ظالم‌ترین و قدرتمندترین گروه شورشی است (Rutting, 2009b:62,74).

نتیجه‌گیری

در این مقاله نقش آی‌اس‌آی در طولانی کردن بحران امنیتی افغانستان و ارتباط این سازمان با طالبان افغان بررسی شد. در ابتدا ضمن نگاه کلی به آی‌اس‌آی به عنوان یک نهاد مهم امنیتی در پاکستان و معرفی اجمالی آن، درباره مفهوم طالبان افغانستان بحث شد و سپس روابط آی‌اس‌آی با طالبان مورد تحلیل قرار گرفت.

یافته‌های این پژوهش نشان داد در دهه ۱۹۸۰ از آی‌اس‌آی برای حمایت از هفت گروه مجاهد در جهاد علیه شوروی استفاده شد. در آن هنگام آی‌اس‌آی کانال اصلی



پوشش کمک‌های مالی ایالات متحده و عربستان سعودی بود و نقش اساسی را در ظهور طالبان داشت. در واقع، پاکستان از نظر مالی، سیاسی، نظامی و لجستیکی به شدت از طالبان سابق حمایت می‌کرد. رهبران طالبان و خانواده‌هایشان که در پاکستان زندگی می‌کنند در تعامل و ارتباط نزدیک با آی‌اس‌آی و ارتش پاکستان هستند. یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد که آی‌اس‌آی نقش بسیار قدرتمندتری از آنچه تصور می‌رود، در برنامه‌های طالبان داشته است. طالبان با پشتیبانی نیروی هوایی آی‌اس‌آی موفق به براندازی بخشی عظیم از رژیم مجاهدین تاجیک (و شمالی‌ها) در کابل شدند و شهر را در سپتامبر ۱۹۹۶ تسخیر کردند.

در مجموع می‌توان گفت آی‌اس‌آی به عنوان فراهم‌کننده مخفیگاه، سرمایه و کمک مالی و حمایت مالی و لجستیکی طالبان، تأثیر عملیاتی و راهبردی قوی دارد که با کاربرد زور نیز آن را تقویت می‌کند. تأثیرگذاری آی‌اس‌آی بر طالبان چنان است که بدون ایجاد تغییر در رفتار آنها، بسیار مشکل است نیروهای بین‌المللی و دولت افغان بتوانند به پیشرفت‌هایی در مبارزه با طالبان دست یابند.

منابع:

- Ahmed, Ishtiyag (2010), *The Pakistan Inter-Services Intelligence: A Profile. Institute of South Asian Studies*, available at: www. isas. nus. edu. sg
- Bajoria, Jayshree (2009) "The ISI and Terrorism: Behind the Accusations", The Council on Foreign Relations.
- Belasco, Amy (2009), "The Cost of Iraq, Afghanistan and Other Global War on Terror Operations Since 9/11", US Congressional Research Service Report, September.
- Dennis C. Blair (2010), "Annual Threat Assessment of the US Intelligence Community", Testimony before the Senate Select Committee on Intelligence, 2 February.
- Cohen, Stephen Philip (2004), *The Idea of Pakistan*, Washington DC: Brookings Institution Press.
- Coll, Steve (2005), *Ghost Wars: The Secret History of the CIA, Afghanistan and Bin Laden, from the Soviet Invasion to September 10, 2001*, London: Penguin
- Dressler, Jeffrey and Forsberg, Carl (2009), *The Quetta Shura Taliban in Southern Afghanistan*, Institute for the Study of War.
- Fair, C. Christine (2009), "The Time for Sober Realism: Renegotiating US Relations with Pakistan", *The Washington Post Quarterly*, Vol. 32:2.
- Fischer, Karl (2010), "The Af-Pak Strategy: Reactions in Pakistan", *Afghanistan Analysts Network*, March.
- Giustozzi, Antonio (2007), *Koran, Kalashnikov and Laptop*, London: C.



- Hurst & Co.
- Giustozzi, Antonio (2009) (ed.), *Decoding the New Taliban: Insights from the Afghan Field*, London: C. Hurst & Co.
 - Johnson, Thomas H. and Mason, M. Chris (2008), “No Sign until the Burst of Fire; Understanding the Pakistan-Afghanistan Frontier”, *International Security*, Vol. 32: 4
 - Jones, Seth (2008), *Counterinsurgency in Afghanistan*, RAND Counterinsurgency Study 4.
 - Jones, Seth (2010), *In the Graveyard of Empires: America’s War in Afghanistan*, New York: W. W. Norton & Co.
 - Kronstadt, K. Alan (2009), “*Pakistan-US Relations*”, US Congressional Research Service Report, February.
 - Kronstadt, K. Alan (2010a), “Direct Overt U.S. Aid and Military Reimbursements to Pakistan, FY2002-FY2011”, *Congressional Research Service Report*, 9 March.
 - Kronstadt, K. Alan (2010b), “Major U. S. Arms Sales and Grants to Pakistan since 2001”, *US Congressional Research Service Report*, 23 March.
 - Loyd, Anthony (2010), “Terror link alleged as Saudi Millions Flow into Afghanistan War Zone”, *The Times (UK)*, 31 May.
 - Rama, Chenai (2006), “Aboat Pakistan’s Inter-Services Intelligence South Asia Analysis Group”, available at: [http://www.acsa2006.net/آیاسآی / index.html](http://www.acsa2006.net/آیاسآی/index.html)
 - Rashid, Ahmed (2001), *The Taliban: Militant Islam, Oil, and Fundamentalism in Central Asia*, New Haven, Conn. : Yale University Press.
 - Rashid, Ahmed (2008), *Descent into Chaos, How the War against Islamic Extremism Is Being Lost in Pakistan*, Afghanistan and Central Asia”, London: Allen Lane
 - Rashid, Ahmed (2008), “*Insurgency and Terrorism in Afghanistan: Who is Fighting and Why?*”, Special Security Initiative of the Policy Action Group.
 - Reidel, Bruce, (2008), “Pakistan and Terror: The Eye of the Storm” in *The Annals of the American Academy of Political and Social Science*, Vol. 618:1
 - Roberts. J, Marks (2007), *Pakistan’s Inter-Services Intelligence Directorate: A State within State?* Published by National Defense University Press and Potomac Books, Inc. Washington, DC: Potomac Books.
 - Roggio, Bill (2010), “Haqqani Network Executed Kabul Suicide attack”, *The Long War Journal*, 24 May.
 - Ruttig, Thomas (2009a), “*The Other Side: Dimensions of the Afghan Insurgency: Causes, Actors and Approaches to Talks*”, Afghanistan Analysts Network, July.
 - Ruttig, Thomas (2009b), “The Haqqani Network as an Autonomous Entity” in A. Giustozzi (ed) *Decoding the New Taliban: Insights from the Afghan Field*, London: C. Hurst & Co.

